

شاخص سازی منزلت اجتماعی پلیس

آرش حسن پور^۱، فرشید خضری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: منزلت اجتماعی به مثابه یک مفهوم چندبعدی، نیازمند بررسی‌های نظری و مفهومی در مرحله شاخص سازی و ملاحظه‌های تجربی در فرایند ساخت و تدوین سنجه است. این مطالعه با تأکید بر اهمیت این مفهوم و ضرورت پایش و سنجش مداوم آن، به دنبال طراحی شاخص منزلت اجتماعی پلیس و ارائه سنجه‌های معتبر آن است.

روش: این مطالعه از نظر هدف، کاربردی- توسعه‌ای و از نظر شیوه اجرا، اسنادی- پیمایشی است. در این مطالعه پس از شناسایی مؤلفه‌های منزلت اجتماعی در ادبیات موضوع، از روش دلفی برای اعتباریابی شاخص‌ها و سنجه‌های منزلت اجتماعی پلیس استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه از نخبگان دانشگاهی (متخصص در حوزه منزلت اجتماعی) به تعداد ۹ نفر و متخصصان علوم انتظامی به تعداد ۲۱ نفر در استان تهران و اصفهان است که با کمک آن‌ها، روایی محتوای پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها و نتایج: پس از دو مرحله بررسی و بازبینی، شاخص منزلت اجتماعی پلیس در سه بعد اصلی و باسی‌ونه سنجه عملیاتی شد و در نهایت، اتفاق نظر گروه خبرگان پژوهش نسبت به استاندارد بودن و کیفیت بالای شاخص و سنجه‌های به کار گرفته شده، برای سنجش منزلت اجتماعی پلیس حاصل شد و این شاخص می‌تواند در پژوهش‌های تجربی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها

منزلت اجتماعی، پلیس، اعتباریابی، پرسش‌نامه استاندارد، روش دلفی، شاخص سازی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)، رایانامه: arash.hasanpour@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

مقدمه

حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی کشور و ایجاد امنیت و آرامش در جامعه، بیش از همه به عملکرد نظامیان وابسته است (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۱۰). نیروهای نظامی به طور عام و پلیس به طور خاص، نقش خطیری در جامعه دارند تا آنجا که در کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از آنان به عنوان «دژهای مستحکم مردم» و «مایه شکوه و عظمت حکمرانان» یاد شده است (مهری، ۱۳۸۹: ۱۲۳). نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهم ترین سازمان های کشور است. این سازمان دارای سه مأموریت حساس و بیست و هشت وظیفه مهم بوده و می توان گفت از نظر تنوع وظایف، یک سازمان منحصر به فرد است (حسینیان و فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۲). قدرت و اقتدار پلیس از جمله مؤلفه های «منزلت اجتماعی» پلیس است، زیرا از این نهاد انتظار می رود با خشن ترین مسائل جامعه نظیر قاچاق، قتل، سرقت مسلحانه و... مقابله کند. بنابراین به گفته «گرین و ماستروفسکی»، مسئولیت کاربرد زور به پلیس داده شده تا بتواند امنیت را در جامعه به ارمغان آورد (گرین و ماستروفسکی، ۱۹۹۸: ۱).

از جمله مواردی که باعث می شود نیروهای انتظامی در انجام وظایف خود به ویژه در تأمین امنیت موفق باشند، منزلت اجتماعی آنان در جامعه است. «منزلت اجتماعی پلیس میزان ارزش و احترامی است که افراد جامعه برای پلیس قائل هستند و جایگاه آنان را در سلسله مراتب اقدار اجتماعی در جامعه به صورت متمایز تعریف می کند» (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸: ۲۳۴). نیروی انتظامی که از نظر اهمیت شغلی در سطح بالایی قرار دارد، باید از منزلت بالایی برخوردار باشد تا با حمایت شهروندان بتواند به وظایف خود عمل کند. چنانچه شهروندان برای سازمان های نظامی و به ویژه نیروی انتظامی، اعتبار قائل باشند و امنیت خود را در پناه اقتدار آن بدانند، این امر باعث افزایش اقتدار این سازمان ها و کارآمدی بیشتر آنها می شود (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۴: ۲۰).

منزلت اجتماعی مانند هر مفهوم دیگری در علوم اجتماعی، مفهومی چندبعدی است که به‌هنگام بررسی آن باید ابعاد آن را به‌صورت کامل، مورد توجه قرار گیرد. قدم اول، تعریف و تصریح دلالت معنایی آن مفهوم است. سپس لازم است، ابعاد یا وجوه مختلف مفهوم را تعریف و تصریح سازیم. تصریح ابعاد مفهومی یک متغیر منجر به استدلال نظری و تحلیل سودمندتر می‌شود (ساعی، ۱۳۸۷: ۸۰ و دواس، ۱۳۷۶: ۵۶). همچنین در ادامه، شاخص‌سازی مفهوم و عملیاتی‌سازی آن جزء ضروری پژوهش پیمایشی قلمداد می‌شود. بر همین اساس، این مقاله تلاش خواهد کرد تا مفهوم منزلت اجتماعی پلیس را به‌لحاظ نظری تشریح کند. نتیجه این فرایند، گذار از سطح مفهومی و رسیدن به سنجه‌هایی عینی برای سنجش مفهوم منزلت اجتماعی است. پیمودن چنین مسیری ما را به شاخص «منزلت اجتماعی پلیس» خواهد رساند. با این توصیف می‌توان گفت این مطالعه باهدف کلی شاخص‌سازی منزلت اجتماعی پلیس، به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها است که چگونه می‌توان شاخص معتبر تهیه کرد که بتواند منزلت اجتماعی پلیس را بسنجد؟ این شاخص واجد چه ابعادی است؟ مؤلفه‌های آن کدام‌اند؟ و گویه‌های اعتباریابی شده شاخص منزلت اجتماعی کدام‌اند؟

بدین‌منظور این مطالعه تلاش خواهد کرد، با رفع نقایص پژوهش‌های پیشین و مرور ادبیات نظری منزلت اجتماعی، ابعاد و سنجه دقیق‌تری برای سنجش منزلت اجتماعی پلیس عرضه کند. این سنجه‌ها و پرسش‌نامه، این امکان را برای محققان فراهم می‌سازد که هر زمان که تصمیم بر سنجش منزلت اجتماعی پلیس و نیروهای انتظامی گرفتند، بتوانند به‌سرعت این سنجه را بر جامعه آماری خود قرار داده و نتایج آن را استخراج کرده و از آن استفاده کنند. پیشینه پژوهش: در این بخش با معرفی و مرور پژوهش‌های پیشین و نقد آنان، تلاش می‌شود تا نظریه‌ها، ابعاد و معرف‌های این پژوهش‌ها در زمینه منزلت اجتماعی معرفی شوند؛ زیرا این پژوهش‌ها می‌توانند حاوی نکات مهمی در حوزه نظری منزلت اجتماعی و شاخص‌سازی باشند و در ساختن شاخص نهایی بسیار مفید خواهند بود. از طرف دیگر این

پژوهش‌ها دارای نقاط ضعفی در شاخص‌سازی مقیاسی کارآمد برای سنجش منزلت اجتماعی هستند، که این پژوهش می‌تواند به رفع آن‌ها کمک کند.

جدول ۱: مرور پژوهش‌های پیشین در زمینه منزلت اجتماعی نظامیان و پلیس

پژوهش‌گر	نظریه	ابعاد منزلت اجتماعی	نقد پژوهش
میرسپاسی (۱۳۸۴)	فاقد چارچوب نظری	۱- سطوح: ۱- استراتژیک، ۲- تاکتیکی و ۳- عملیاتی و اجرایی	۱- رجوع نکردن نظام‌مند به چارچوب نظری ۲- نداشتن رویکرد عمومی ^۱ ۳- معرفی نکردن سنجه‌ها و معرف‌های هر بعد
احمدی (۱۳۸۴)	مازلو؛ فستینگر؛ والکر؛ هاوس؛ مک‌کلند؛ هرزبرگ.	_____	۱- رجوع نکردن به نظریه‌های جامعه‌شناختی ^۲ ۲- ارائه نکردن ابعاد با توجه به چارچوب نظری ۳- ارائه نکردن سنجه‌های عملیاتی ۴- فاقد چارچوب روش‌شناختی ^۳
حمیدزاده (۱۳۸۴)	فاقد چارچوب نظری	۱. درون‌سازمانی (شامل): توجه به نیروی انسانی، نظارت و ارزش‌یابی، چگونگی مأموریت و وظایف سازمانی، بهسازی و اداره سازمان، حاکمیت الگوی ارتباطی براساس اصول اساسی انسانی و مؤثر، خدمات سازمانی به کارکنان) ۲. بیرون‌سازمانی (شامل):	۱- رجوع نکردن نظام‌مند به چارچوب نظری حوزه منزلت اجتماعی

- در این پژوهش منظور از رویکرد عمومی این است که شاخص به‌دست‌آمده باید در همه زمینه‌ها برای منزلت پلیس قابل کاربرد باشد نه فقط مختص به زمان خاص و سازمان خاص باشد.
- منزلت اجتماعی مفهومی جامعه‌شناختی است از این رو برای بررسی این مفهوم و عوامل مؤثر بر آن باید به نظریه‌های جامعه‌شناختی نیز در این زمینه رجوع شود که محقق در این پژوهش به نظریه‌های جامعه‌شناختی رجوع نکرده است.
- یعنی مشخص نیست با چه تعداد افراد مصاحبه کرده است و فرایند این مصاحبه به چه نوعی بوده است که این خود اشکالی روش‌شناختی است.

	افزایش امتیازهای اجتماعی برای نظامیان، کارآمدسازی خدمات نظامی در زمان صلح، اطلاع‌رسانی و توسعه ارتباطات اجتماعی سازمان‌های نظامی		
۱- رجوع ناقص به نظریات منزلت اجتماعی ۲- اشاره نکردن به مؤلفه‌ها و معرف‌های نظریه‌ها	—	وبر، پارسونز، مرتون، میلز، دارندورف، رن‌دال کالینز، بلاو و گافمن	محمدی (۱۳۸۰)
۱- فاقد چارچوب نظری ۲- رجوع نکردن نظام‌مند به ادبیات پژوهش	۱- حاکمیت؛ ۲- سازمانی و ۳- فردی	فاقد چارچوب نظری	آقامحمدی (۱۳۸۵)
۱- فاقد چارچوب نظری مناسب ۲- مشخص نیست ابعاد به‌دست آمده از چه فرایندی حاصل شده است	سنجش در پنج بعد: ۱- شأن؛ ۲- نگرش؛ ۳- رضایت از عملکرد؛ ۴- اقتدار و ۵- اعتماد	دورکیم، پارسونز، گیدنز، برونز، اسکینر و مینینگ	الیاسی و رادان (۱۳۸۶)
۱- استفاده نکردن از چارچوب نظری مورد اشاره در پژوهش	۱- فردی ۲- سازمانی ۳- اجتماعی	وبر، مارکس، کارکردگرایی، لنسکی، مازلو و مینینگ	حسینیان و فهیمی (۱۳۸۸)
رجوع نکردن نظام‌مند به چارچوب نظری حوزه منزلت اجتماعی	۱- فردی؛ ۲- سازمانی ۳- اجتماعی	مینینگ و همکاران	کلاکی (۱۳۸۸)
۱- رجوع نکردن نظام‌مند به چارچوب نظری ۲- استخراج نکردن ابعاد مؤثر بر منزلت اجتماعی از فراتحلیل پژوهش‌های پیشین	فاقد ابعاد	مارکس، وبر و بورديو	مهري (۱۳۸۹)
نتایج این مطالعه نشان می‌دهد ۹ متغیر تحصیلات، معیشت، مسکن، شغل، انضباط، احترام و تکریم ارباب‌رجوع، اخلاق، مشارکت در امور معنوی، مشارکت در امور اجتماعی بر منزلت اجتماعی تأثیر دارند.			محمدی‌مقدم و نصری (۱۳۹۴)

مبانی نظری: مفهوم «منزلت اجتماعی» ارتباط تنگاتنگی با «قشربندی اجتماعی»، «طبقه اجتماعی» و «پایگاه اجتماعی» دارد. لذا، برای بررسی مفهوم منزلت اجتماعی ابتدا باید مفهوم قشربندی، طبقه و پایگاه اجتماعی و نظریات مربوط به منزلت اجتماعی را مورد بحث قرار دهیم.

مفهوم قشربندی بیانگر سلسله‌مراتب اجتماعی در نظام اجتماعی است. در ارتباط با قشربندی و «نابرابری اجتماعی» اگرچه اختلاف نظرهای متعددی وجود دارد، اما «نامین» در توضیح نسبت نابرابری اجتماعی و قشربندی می‌نویسد: «با اینکه اکثر جامعه‌شناسان معاصر بیشتر از قشربندی اجتماعی صحبت می‌کنند تا از نابرابری اجتماعی، اما باید دانست که این دو اصطلاح مترادف‌اند» (تامین، ۱۳۷۳: ۲۱). قشربندی را می‌توان به‌عنوان نابرابری‌های ساختارمند میان گروه‌بندی‌های مختلف مردم تعریف کرد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۳۸). در جدول ۲ به‌طور خلاصه چارچوب نظری قشربندی اجتماعی توضیح داده شده است.

جدول ۲: نظریه‌های قشربندی اجتماعی

نظریه پرداز	خلاصه نظریه
افلاطون	افلاطون جامعه را به سه طبقه تقسیم می‌کند: زمامداران، نگهبانان و کارگران. مبنای تقسیم طبقاتی در اندیشه افلاطون طبیعت انسان‌ها است (ملک، ۱۳۷۴: ۵۷).
ابن‌خلدون	عامل تقسیم طبقات در جامعه، جاه و ثروت است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۷۷۲).
دورکیم	دورکیم از دو نوع نابرابری یاد می‌کند: نابرابری بیرونی ^۱ و نابرابری درونی ^۲ . نابرابری بیرونی بر پایه ویژگی‌های انتسابی است و نابرابری درونی بر اساس ویژگی‌های اکتسابی و در نتیجه تلاش، استعداد و کارایی (کمالی، ۱۳۷۹).
پارسونز	به عقیده پارسونز هر نظام قشربندی، نمود و تحقق ارزش‌های اساسی یک جامعه است. افراد بنا به قضاوت‌های ارزشی پیرامون مقولات سه‌گانه «ویژگی‌ها»، «عملکردها» و «دارایی‌ها» رتبه‌بندی می‌شوند (انگویتا و ریزمن، ۱۳۸۳).
کینگزلی دیویس و ویلبرت مور	به عقیده آنان «سلسله‌مراتب موقعیت‌ها بستگی به سلسله‌مراتب ارزشی جامعه دارد» (ملک، ۱۳۸۱: ۸۱)، جامعه باید پاداش‌های گوناگون را برای نقش‌های مهم‌تر و درعین حال ناخوشایندتر که به توانایی و استعداد بیشتری نیاز دارند اختصاص دهد (ریترز، ۱۳۸۱: ۲۶) آنان در مرحله بعد بر اهمیت کارکردی نقش‌ها برای جامعه تأکید کردند که نقش‌هایی که از نظر جامعه کارکردی‌ترند حائز منزلت بالاتری نیز هستند (انگویتا و ریزمن، ۱۳۸۳: ۳۷۲).

چلبی	نظام قشربندی، شبکه‌ای نسبتاً منظم از مواضع اجتماعی در جامعه است. موضع اجتماعی دارای چهار بعد رتبه اجتماعی، ذهنیت موضعی، سرمایه اجتماعی و نقش اجتماعی است. منظور از رتبه اجتماعی میزان دسترسی به منابع (ثروت، قدرت، معرفت و اعتبار اجتماعی) ارزشمند جامعه است (چلبی، ۱۳۷۵).
مارکس	طبقه گروهی از مردم است که در رابطه مشترکی با وسایل تولید ^۵ و وسایلی که به کمک آن‌ها معیشت خود را تأمین می‌کنند- قرار دارند. طبقه مسلط، طبقه‌ای است که کنترل وسایل تولید و توزیع اجتماعی و سودهای ناشی از تولید را برعهده دارد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۴۲).
ماکس وبر	بنا به نظر وبر، تقسیمات طبقاتی نه تنها از کنترل یا فقدان کنترل وسایل تولید، بلکه از اختلافات اقتصادی که مستقیماً هیچ ربطی با دارایی ندارند، ناشی می‌شوند. این گونه منابع به‌ویژه شامل مهارت‌ها، مدارک و شرایطی است که بر انواع مشاغلی که افراد می‌توانند کسب کنند تأثیر می‌گذارد. وبر دو جنبه اساسی دیگر قشربندی را علاوه بر طبقه تشخیص می‌دهد. او یکی از آن‌ها را «پایگاه» (گروه منزلت) و دیگری را «حزب» ^۲ می‌نامد. پایگاه به افتخار در قشربندی اجتماعی برمی‌گردد و حزب به عرصه‌های قدرت (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۴۴؛ فاضلی، ۱۳۸۲: ۷-۲۶).
للوید وارنر	او در بررسی قشربندی در جامعه، عواملی مانند وضع اقتصادی، وابستگی سیاسی، منزلت، شغل، منبع درآمد؛ نوع مسکن و محل سکونت را مطرح می‌کند (انگویتا و ریزمن، ۱۳۸۳: ۸۳).
رالف دارندورف	او قشربندی را بر پایه مفهوم «اقتدار» ^۳ بنا می‌کند، «علت اساسی تضاد را باید در توزیع نابرابر اقتدار جستجو کرد» (گی‌روشه، ۱۳۸۱: ۱۰۰). او همچنین ایده «جامعه مابعد سرمایه‌داری» را مطرح می‌کند که به عقیده او در این جامعه مالکیت ثبتي و حقوقی از مالکیت به معنای حق کنترل و مدیریت بر ابزار تولید تفکیک شده است (ملک، ۱۳۷۴).
اریک اولین رایت	او سه بعد کنترل بر منابع اقتصادی را که عبارت‌اند از کنترل بر سرمایه‌گذاری‌ها، وسایل فیزیکی تولید و نیروی کار را تفکیک کرده است. همچنین از موقعیت‌های طبقاتی «متناقض» یاد می‌کند. افرادی که در این گونه جایگاه‌های طبقاتی قرار گرفته‌اند می‌توانند بر بعضی جنبه‌های تولید تأثیر بگذارند (لهسانی‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۳-۶۰).
فرانک پارکین	او در کنار استثمار اقتصادی از ایده «حصر اجتماعی» ^۴ یاد می‌کند. حصر بیشتر بر پایه معیارهایی چون مالکیت، مهارت و مدارک تخصصی است. دو نوع فرایند حصر عبارت‌اند از «طرده» ^۵ به معنی راهبردهایی که بخش‌های چیره با استفاده از آن، بخش‌های زیر سلطه را از داشتن قدرت محروم می‌سازند و دوم «غصب» ^۶ که بخش زیر سلطه با به کارگیری آن می‌کوشد مقداری از قدرت را از دست بخش چیره بیرون بکشد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۴۷).
بورديو	او از انواع سرمایه‌های اقتصادی ^۷ ، فرهنگی ^۸ ، اجتماعی ^۹ و نمادین ^{۱۰} یاد می‌کند. از دیدگاه بورديو سه عامل در سرمایه تأثیر می‌گذارد: ۱- حجم، ۲- ترکیب و ۳- مسیر. حجم مربوط به میزان سرمایه است. ترکیب به میزان فراوانی نسبی انواع مربوط می‌شود. مسیر نیز به تحرکات از پایین به بالا یا برعکس طبقاتی اشاره دارد. سرمایه اقتصادی شامل

1. Authority
2. Social Closure
3. Exclusion
4. Usurpation
5. Economical Capital
6. Cultural Capital
7. Social Capital
8. Symbolic Capital

درآمد و بقیه انواع منابع مالی است. درآمد و دارایی را می‌توان معرف‌های سرمایه اقتصادی در نظر گرفت. سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است، مانند تحصیلات. سرمایه اجتماعی شامل همه منابعی است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید. سرمایه نمادین به معنای توانایی مشروعیت‌دادن، تعریف کردن، ارزش گذاردن یا سبک ساختن در میدان فرهنگ است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷؛ ممتاز، ۱۳۸۳: ۱-۱۵۴). توزیع این چهار نوع سرمایه تعیین‌کننده موقعیت طبقاتی فرد در نظام اجتماعی است.

منزلت اجتماعی: منزلت یا «پایگاه اجتماعی»، شأن یا مقام و موقعیتی است که برای یک فرد در جامعه قائل‌اند، یا تلقی و ذهنیتی است که دیگران از آنچه شخص هست، دارند (نیک‌گهر، ۱۳۶۹). به عقیده آلن بیرو اعتبار یا منزلت اجتماعی، نفوذ و اعتباری است که دیگران به شخصی، به جهت ویژگی‌های گوناگون و کم‌وبیش واقعی که به او منتسب می‌دارند، می‌بخشند (بیرو، ۱۳۷۴: ۸). چلبی معتقد است منزلت یا پرستیژ با مفاهیمی نظیر شهرت، اعتبار، حیثیت، آبرو، نفوذ، تأیید اجتماعی و احترام هم‌خانواده است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸۷). منزلت اجتماعی در مجموع قضاوتی است که به موجب آن، جامعه، حیثیت و محبوبیت بیشتری به فلان موقعیت یا پایگاه اجتماعی می‌دهد (ملک، ۱۳۷۴: ۱۰).

منزلت اجتماعی پلیس: «منزلت اجتماعی پلیس میزان ارزش و احترامی است که افراد جامعه برای پلیس قائل هستند و جایگاه آنان در سلسله مراتب طبقات یا اقشار اجتماعی در جامعه را متمایز تعریف می‌کنند» (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

شاخص‌سازی منزلت اجتماعی پلیس: در این مقاله از راه بازسازی عقلانی-مفهومی نظریه‌های موجود، دستگاه معرفتی تلفیقی متناسب با موضوع پژوهش ساخته می‌شود. این دستگاه نظری، بنیان نظری پژوهش است که شاخص، ابعاد و سنجه‌هایی از آن استخراج می‌شود. مبنای شاخص‌های شاخص مینینگ و همکاران (۲۰۰۱؛ به نقل از کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸) است؛ اما محققان بر این عقیده‌اند که ضمن کارآمد بودن این شاخص، می‌توان آن را به گونه‌ای عقلانی و کارآمدتر بازسازی کرد. منظور از عقلانی‌تر این است که با مطالعه چارچوب نظری و پژوهش‌های پیشین می‌توان از ابعاد و معرف‌های نظریات دیگر برای تدوین و تکمیل شاخص‌های نیز استفاده کرد؛ اما ذکر این نکته مهم است که

شاخص منزلت اجتماعی پلیس یک شاخص خاص است از این رو نه همه مؤلفه‌های نظریات و پژوهش‌های پیشین، بلکه ابعاد و معرف‌های متناسب با این شاخص خاص از برخی از این نظریه‌ها استخراج شده و برخی دیگر نیز به صورت عقلانی برای این منظور بازسازی می‌شود. با الهام از مطالعات پیشین و همچنین چارچوب نظری می‌توان الگوی نظری و ساختار منطقی شاخص و همچنین معرف‌های این پژوهش را به شرح زیر ارائه داد. شاخص موردنظر در این مطالعه همچون الگوی مینینگ و همکاران سه بعد اصلی دارد:

عوامل برون‌سازمانی: مجموعه عواملی است که خارج از سازمان پلیس بر منزلت اجتماعی پلیس تأثیرگذار است. در این بعد، مطالعه پیش‌رو چهار بعد ۱. وجهه پلیس، ۲. سرمایه اجتماعی (که خود نیز واجد سه بعد مشارکت، اعتماد و ارتباط با پلیس است)، ۳. تعامل با دیگر نهادها و ۴. کارآمدی پلیس را مدنظر قرار داد؛ اما از حیث تطبیق با مطالعات پیشین در زمینه ساخت شاخص مطالعه می‌توان گفت، بعد وجهه پلیس در این مطالعه برای نخستین بار با این عنوان، شکل بندی و بکار گرفته شد. بعد تعامل با دیگر نهادها به معنای تعامل با سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، حمایت دستگاه قضایی، حمایت قوه مجریه، حمایت قوه مقننه از نیروی انتظامی و هماهنگی نهادی سازمانی بین آنها است که مینینگ و همکاران (۲۰۰۱؛ به نقل از کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸) نیز به آن اشاره می‌کنند. بعد سوم، شاخص سرمایه اجتماعی است؛ این مفهوم تحت عناوین «جاه» در نظریه ابن‌خلدون، «سرمایه سازمانی، شهرت یا اعتبار اجتماعی» در نظریه چلبی، «افتخار» در نظریه وبر؛ «پایگاه اجتماعی» در نظریه وارنر، «منزلت» در نظریه دارندورف، لئسکی و رایت و قدرت اجتماعی در نظریه پارکین مورد اشاره قرار گرفته است. در اینجا نیز با توجه به جامعیت مفهوم سرمایه اجتماعی از این مفهوم استفاده می‌شود و منظور از آن همه منابع واقعی و بالقوه است که می‌تواند در اثر عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمان‌ها به دست آید. این شاخص خود به سه خرده بعد تقسیم می‌شود: الف) مشارکت با پلیس؛ منظور کمیت و کیفیت تعامل جامعه با پلیس و همکاری با ایشان در تحقق وظایف و اهداف نیروی انتظامی است. ب)

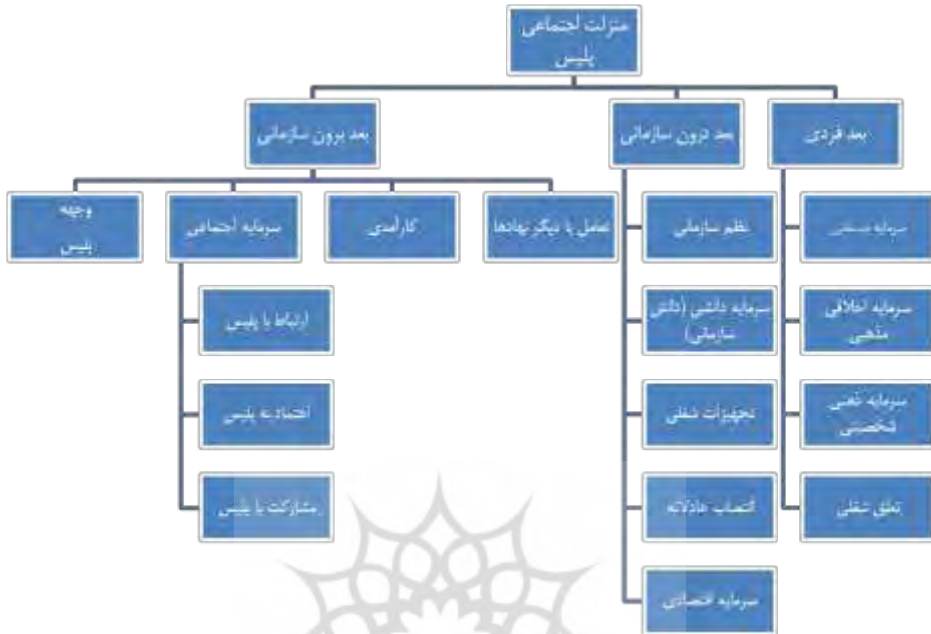
اعتماد به پلیس؛ در اینجا منظور از اعتماد، میزان باور به کارگزاران انتظامی و نهاد پلیس است. ج) ارتباط با پلیس؛ منظور، ایجاد ارتباط منطقی مردم با ناجا، داشتن ارتباط صمیمی، حسن تعامل در پاسخگویی و رفتار احترام‌آمیز است.

شاخص چهارم در بعد برون‌سازمانی، مربوط به کارآمدی پلیس است. از این مفهوم به‌نوعی تحت عنوان «کارکرد» در نظریه‌های افلاطون، ارسطو، پارسونز و دیویس و مور و «کارایی» در نظریه دورکیم مورد توجه قرار گرفته است و منظور عملکرد و وضعیت حال حاضر فرد و سازمان به‌لحاظ انتظارات شغلی است.

عوامل درون‌سازمانی: منظور از عوامل درون‌سازمانی مجموعه عواملی است که در درون سازمان پلیس بر منزلت اجتماعی آن اثرگذار است. در این بعد، پنج بعد فرعی سرمایه اقتصادی، دانش سازمانی، تجهیزات و امکانات شغلی، عدالت سازمانی و نظم و قانونمندی سازمانی شناسایی شد.

عوامل فردی: منظور از عوامل فردی در مجموع عواملی است که در سطح فردی بر منزلت اجتماعی پلیس تأثیرگذار است. این بعد با ابعاد سرمایه جسمانی، سرمایه دینی و مذهبی، سرمایه ذهنی و شخصیتی و تعلق شغلی مورد بررسی قرار گرفت.

نمودار ۱: الگوی نظری ابعاد منزلت اجتماعی پلیس



روش

این مطالعه از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای و از نظر شیوه اجرا اسنادی-پیمایشی است. در این مطالعه پس از شناسایی مؤلفه‌های منزلت اجتماعی در ادبیات موضوع، از روش دلفی برای اعتباریابی شاخص‌ها و سنجه‌های منزلت اجتماعی پلیس استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه از نخبگان دانشگاهی (شامل اساتید، پژوهش‌گران و دانشجویان متخصص در حوزه منزلت اجتماعی) به تعداد ۹ نفر و متخصصان علوم انتظامی (مدیران و معاونت‌های اجتماعی سازمان پلیس) به تعداد ۲۱ نفر در استان تهران و اصفهان است که با کمک این خبرگان، روایی محتوای پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

اعتباریابی: پرسش‌نامه این پژوهش در مرحله اول شامل ۸۷ سنجه بود. جدول ۳ نتیجه مرحله اول دلفی برای اعتباریابی پرسش‌نامه را نشان می‌دهد.

جدول ۳: دیدگاه‌های متخصصان دربارهٔ سنجه منزلت اجتماعی پلیس (مرحله اول)

ردیف	نظرات و ارزیابی نقاط ضعف و پیشنهادات
۱	گویه باید به صورت معکوس (منفی) نیز ارائه شود.
۲	به نظر می‌رسد بعد حمایت نهادی از شاخص منزلت اجتماعی برون‌سازمانی پلیس حذف شود.
۳	مقدمه بالای پرسش‌نامه (۲ تا ۳ خط) نوشته شود. مشخصات فردی پاسخگو هم پرسیده شود.
۴	در پرسش‌نامه نهایی، برخی سنجه‌ها که مرتبط با منزلت اجتماعی پلیس نیست، حذف شود.
۵	برخی سنجه‌ها که رضایت از پلیس را می‌سنجد، حذف شوند.
۶	پرسش‌نامه طولانی است و چون قرار است نخبگان و اساتید پاسخگو باشند، لذا با مشکل مواجه می‌شود.
۷	سنجه‌ها از کیفیت مناسبی برخوردارند و مورد تأیید است.
۸	بعد بازمیابی پلیس در رسانه‌ها، ارتباطی با منزلت اجتماعی برون‌سازمانی پلیس ندارد.
۹	بعد کیفیت تعامل پلیس و شهروندان جزئی از خرده ابعاد سرمایه اجتماعی پلیس است.
۱۰	دو بعد تعامل با نهادهای دیگر و حمایت نهادی در صورت امکان در یکدیگر ادغام شود.
۱۱	دو بعد سرمایه شخصیتی و سرمایه ذهنی در قالب یک بعد ارائه شود.
۱۲	سنجه‌های بعد وجه شغلی و بعد تعلق شغلی مشابه‌هایی دارد، درهم ادغام شوند.
۱۳	سنجه‌های همسان و تکراری حذف شوند. موارد پیشنهادی اضافه شود: خیلی از جوانان تمایل دارند پلیس شوند؛ شهروندان به وجود پلیس‌های کشور خود افتخار می‌کنند.
۱۴	پرسش‌نامه به خاطر طولانی بودن غیرقابل سنجش است، گویه‌ها تقلیل پیدا کند.

نظرات این دسته به مرور جمع‌آوری شد و آن‌گاه تغییرهای پیشنهادی با راهنمایی استاد ناظر اعمال شد و نسخه دوم پرسش‌نامه برای متخصصان دلفی در مرحله دوم آماده شد. پرسش‌نامه (مرحله دوم) مشتمل بر ۴۲ سنجه در زمینه منزلت اجتماعی پلیس بود. در این مرحله با مراجعه مجدد به متخصصان، نسخه ویرایش شده در اختیار ایشان قرار گرفت. در این مرحله پرسش‌نامه چه به لحاظ قالب و چه محتوا تغییراتی کرد؛ به عبارت دیگر هم تعداد سنجه‌ها تغییر کرد و هم نگارش و قالب آن‌ها. همچنین بنابر نظر هیئت پاسخ‌دهنده، سعی شد سنجه‌هایی که هم‌پوشانی دارند حذف شوند. علاوه بر این ابعادی که ارتباط کمتری با شاخص منزلت اجتماعی پلیس داشتند، حذف شدند. به طور کل هدف در مرحله دوم، دستیابی به یک سنجه دقیق‌تر در مورد منزلت اجتماعی پلیس بود که متناسب با دریافت

نظرات کارشناسی متخصصان حاصل شد. در نهایت پس از ارزیابی سنجه‌ها براساس نظرات پانل تخصصی و همچنین تحلیل‌های توصیفی، پرسش‌نامه نهایی به‌دست آمد که در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: سنجه نهایی منزلت اجتماعی پلیس

بعد برون‌سازمانی منزلت اجتماعی	
ابعاد	گویه‌ها
وجهه پلیس	پلیس در جامعه از احترام و اعتبار خاصی برخوردار است
	خیلی از جوانان تمایل دارند پلیس شوند
	شهروندان به وجود پلیس‌های کشور خود افتخار می‌کنند
	شغل پلیسی از جذابیت بالایی در بین جوانان برخوردار است
اعتماد به پلیس	شهروندان به پلیس و کیفیت خدمت‌رسانی آنان اعتماد دارند
	شهروندان به رعایت حریم خصوصی شهروندان توسط پلیس اعتماد دارند
	شهروندان به برخورد عادلانه و تمایزنگذاشتن پلیس بین آحاد شهروندان اعتماد دارند
	مسئولان انتظامی، در صورت تماس با ۱۹۷ (تلفن مرکز نظارت همگانی) به نظر شهروندان احترام قایل‌اند
	پلیس در برخورد با شهروندان دارای رحمت است
	شهروندان در برخی از فعالیت‌ها و مأموریت پلیس با آنان همکاری می‌کنند
سرمايه اجتماعي	ارتباط مردم و پلیس
	مشارکت
	به گزارش شهروندان در صورت تماس با پلیس ۱۱۰ رسیدگی می‌شود
کارآمدی پلیس	پلیس وظیفه گشت‌زنی و حفظ نظم و امنیت شهری را به‌خوبی ایفا می‌کند
	پلیس در برخورد و دستگیری سارقین و کشف اموال مسروقه، برخورد با توزیع‌کنندگان مواد مخدر، اراذل‌وواباش، قاتلان و معترضان به جان مردم، قاطعیت و سرعت دارد
بعد درون‌سازمانی منزلت اجتماعی	
ابعاد	گویه‌ها
سرمايه اقتصادي	کارکنان پلیس از حقوق، دستمزد و مزایایی کافی برخوردارند
	کارکنان پلیس از منزل شخصی (مسکن) برخوردارند
	تسهیلات رفاهی برای خانواده‌های کارکنان پلیس وجود دارد
سرمايه دانش	کارکنان پلیس از انواع بیمه‌های سلامت و بازنشستگی برخوردارند
	کارکنان پلیس نسبت به وظایف خود و اصول سازمانی، دانش و آگاهی کافی دارند
	مدارک دانشگاهی و مهارت‌های کارکنان پلیس با شغل سازمانی آنان هم‌خوان و متناسب است

سازمانی	
تجهیزات	پلیس از تجهیزات و فناوری‌های نوین برای انجام مأموریت‌هایش برخوردار است
و امکانات شغلی	ساختمان‌های (مراکزی) پلیس از فضای کافی و مناسبی برخوردار است و در شأن پلیس است
عدالت	مدیران و مسئولان پلیس با معیارهای دانش، تخصص و تعهد انتخاب می‌شوند
سازمانی	در مراکز پلیس ترفیع‌ها، تشویق‌ها و تنبیه‌ها براساس عملکردها و نظام شایسته‌سالاری است
نظم و	در مراکز پلیس نظم و انضباط سازمانی برقرار است
قانونمندی	در سازمان پلیس قوانینی برای انجام وظایف و نحوه تعامل کارکنان پلیس با یکدیگر وجود دارد
سازمانی	در سازمان پلیس آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها منطقی و مؤثر هستند
بعد فردی منزلت اجتماعی	
ابعاد	گویه‌ها
سرمایه	کارکنان پلیس از آراستگی و تناسب اندام برخوردارند
جسمانی	کارکنان پلیس از سبک پوششی و ظاهری مناسبی برخوردارند
سرمایه	کارکنان پلیس افرادی باتقوا هستند و به تکالیف دینی خود عمل می‌کنند
اخلاقی -	کارکنان پلیس از ارزش‌ها و باورهای ملی و اسلامی جامعه حمایت می‌کنند
مذهبی	کارکنان پلیس در برخی از موارد مانند برخورد با قاچاقچیان، یا در هنگام جرمه نوشتن برای رانندگان متخلف، از گرفتن رشوه خودداری می‌کنند
سرمایه	کارکنان پلیس هنگام انجام مأموریت، شجاع و خطرپذیر هستند
شخصیتی	کارکنان پلیس افرادی خودباور و دارای اعتمادبه‌نفس بالا هستند
و ذهنی	کارکنان پلیس از مهارت، توانایی فنی و عملی برای انجام مطلوب وظایف محوله برخوردارند
	کارکنان پلیس از هوش و استعداد شخصی بالایی برخوردارند
	کارکنان پلیس به‌شغل خود علاقه‌مند هستند
تعلق	کارکنان پلیس داشتن این شغل را برای خود یک افتخار می‌دانند
شغلی	کارکنان پلیس، شغل پلیس را به‌دیگران توصیه می‌کنند
	کارکنان پلیس در هنگام اجرای وظایف، احساس ارزشمندی و فایده‌مندی می‌کنند

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه ضرورت استفاده از سنجه‌های معتبر در پژوهش‌های نظری و کاربردی در سازمان‌های اجتماعی و نهادهای آموزشی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. اما پرسشی که وجود دارد و می‌توان مطرح ساخت آن است که تا چه میزان می‌توان به استاندارد بودن و روایی این سنجه‌ها اعتماد کرد. از این نظر، هدفی که پی گرفته شد، پاسخی بدین دغدغه بود و در این راستا تلاش شد تا با سیری نظری و تلاشی تجربی به سنجه‌ای معتبر برای اندازه‌گیری منزلت اجتماعی پلیس دست یابیم.

در پژوهش‌هایی که هدف آن ساخت سنجه و پیش از آن شاخص‌سازی برای متغیر مربوطه است، یکی از مهم‌ترین مراحل، تشعّ کامل نظری در نظریات و پژوهش‌های پیشین است. این سیر به محققان کمک می‌کند تا نقایص و خلأهای پژوهش‌های پیشین را از نظر تعریف، عملیاتی‌سازی متغیر و طراحی سنجه دریافته و در پژوهش خود سعی کنند آن‌را مرتفع سازند. بررسی‌های ژرف در حوزه‌های پژوهش‌های پیشین منزلت اجتماعی پلیس نشان داد که:

مهم‌ترین نقدی که به پژوهش‌های پیشین وجود دارد، رجوع نکردن کامل و نظام‌مند به چارچوب نظری است که در زمینه منزلت اجتماعی وجود دارد. برخی از پژوهش‌های بررسی شده فاقد هرگونه چارچوب نظری هستند و برخی نیز به‌طور محدود از این چارچوب نظری استفاده کرده‌اند و نتوانسته‌اند شاخص مناسبی برای سنجش منزلت اجتماعی ارائه کنند؛

پژوهش‌هایی که دارای چارچوب نظری هستند نتوانسته‌اند از چارچوب نظری درست استفاده کنند. این نقد از این رو مصداق دارد که در این پژوهش‌ها چارچوب نظری مطرح‌شده دارای ابعاد مختلفی در باب منزلت اجتماعی است، اما این پژوهش‌ها به‌طور کامل از این ابعاد استفاده نکرده‌اند، یا در شاخص‌نهایی سنجش منزلت اجتماعی، مؤلفه‌هایی استفاده شده که در چارچوب نظری به آن اشاره‌ای نشده است؛

در برخی از پژوهش‌ها، شیوه و فرایند ساخت شاخص سنجش منزلت اجتماعی، به روشنی تشریح نشده‌اند. محققان در این پژوهش‌ها توضیح کافی نداده‌اند که این شاخص ساخته شده با چه فرایندی به دست آمده است و آیا ابعادی که برای سنجش منزلت اجتماعی برشمرده شده، کافی است یا خیر؟

چهارمین نقد مربوط به «سنجه‌های» پژوهش‌های پیشین است. این نقد بیشتر ناظر به پژوهش‌هایی است که معرف‌های خود را در پژوهش آورده‌اند. در برخی از پژوهش‌های یادشده معرف‌هایی که برای سنجش منزلت اجتماعی استفاده شده، هم‌چنان انتزاعی هستند و برای پاسخگو می‌توانند دارای ابهام باشند. نقد دیگری که در زمینه سنجه‌های به کاررفته وجود دارد این است که در برخی از پژوهش‌ها، سنجه‌هایی برای برخی از ابعاد معرفی شده‌اند که نمی‌توانند و قادر نیستند آن بعد را بسنجند.

براین اساس، مطالعه پیش رو با مراجعه به پژوهش‌های پیشین، نقد آنان و چارچوب نظری موجود، به دنبال ساختن شاخص کارآمد و چندبعدی منزلت اجتماعی پلیس برآمد. برای دستیابی به این هدف، پس از مرور و نقد پیشینه، بیشتر زمان این مطالعه برای بررسی ادبیات مفهوم، جمع‌آوری، دسته‌بندی، ساخت الگوی نظری تحقیق (شاخص‌سازی) و پس از آن، ساخت سنجه صرف شد. این تلاش از دیگر سو کمک کرد تا تمام ابعاد و جنبه‌های مفهومی منزلت اجتماعی پلیس دیده شده و در پژوهش گنجانده شود. این امر همچنین تأییدگر روایی محتوای پرسش‌نامه شد؛ اما این کار برای ارائه و ادعای ساخت یک سنجه معتبر کافی نبود؛ بنابراین تلاش شد تا با روش دلفی، سنجه تحقیق اعتباریابی شود. در این مرحله با رجوع سازمان‌دهی شده به متخصصان این حوزه، سنجه تحقیق در دو مرحله ارزیابی شد و دیدگاه‌های متخصصان احصاء شد. در مرحله اول به‌طور کامل پیشنهادهایی پیرامون ادغام برخی ابعاد در یکدیگر، حذف ابعاد کمتر مرتبط و کوتاه‌ساختن حجم و تعداد گویه‌ها بود. با در نظر گرفتن این پیشنهادها، تخصصی، سنجه دوباره با مراجعه به ادبیات پژوهش اصلاح شد و تغییراتی نیز در عملیاتی‌سازی متغیر منزلت اجتماعی رخ داد و

بار دیگر پرسش‌نامه به متخصصان عرضه شد. در این مرحله میانگین رضایت از گویه‌های طراحی شده برای سنجش منزلت اجتماعی پلیس بالای میانگین طیف (۴/۵) بود و این امر بیانگر اتفاق و اشتراک نظر حداکثری متخصصان مبنی بر کیفیت سنجه پژوهش بود. در نهایت می‌توان گفت شاخص منزلت اجتماعی پلیس به عنوان یک متغیر چندبعدی، شامل سه بعد کلی (بعد درون‌سازمانی، برون‌سازمانی و فردی منزلت اجتماعی پلیس)، دوازده بعد خردتر (حذف بعد تعامل نهادی از مجموعه ابعاد برون‌سازمانی منزلت اجتماعی پلیس پس از مرحله دوم دلفی) و مجموعاً ۳۹ گویه است و می‌تواند برای سنجش منزلت اجتماعی پلیس مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. محمد پروین گنابادی (مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر منزلت سازمانی نظامیان. فصلنامه حصون. شماره ۵.
- آقامحمدی، داوود (۱۳۸۶). گونه‌شناسی تهدیدات احتمالی ناشی از کاهش منزلت اجتماعی نظامیان. مجله مدیریت نظامی. شماره ۲۲.
- الیاسی، محمدحسین و رادان، احمدرضا (۱۳۸۶). رابطه منزلت اجتماعی پلیس با میزان احساس امنیت شهروندان تهرانی. فصلنامه امنیت، ویژه‌نامه افکار عمومی و امنیت. (۴)۵.
- انگویتا، ماریانوف و ریزمن، لئونارد (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. محمد قلی‌پور (ترجمه و تالیف). مشهد: نشر آوای کلک.
- بیرو، آلن (۱۳۷۴). فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی (مترجم). تهران: انتشارات کیهان.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، نظری و کاربردی. عبدالحسین نیک‌گهر (مترجم). تهران: نشر توتیا.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.

- حسینیان، شهامت و فهیمی، علی (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی پلیس راهنمایی و رانندگی. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک. شماره ۱۳.
- حمیدزاده، بهرام (۱۳۸۴). منزلت نظامیان در نگاه برخی از فرماندهان و مسئولان. فصلنامه حصون. شماره ۵.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی (مترجم). تهران: نشر نی.
- روشه، گی (۱۳۸۱). تغییرات اجتماعی. منصور وثوقی (مترجم). تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی (مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- ساعی، علی (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر سمت.
- علیزاده، ابراهیم و رضایی، علی محمد (۱۳۸۴). طرح پژوهشی بررسی منزلت اجتماعی پلیس و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن. تهران: مرکز تحقیقات نیروی انسانی ناجا.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.
- کلاکی، حسن و دوستدار، رضا (۱۳۸۸). بررسی منزلت شغلی و اجتماعی پلیس ایران و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. ۴(۲).
- کمالی، علی (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری (مترجم). تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴). نابرابری و قشربندی اجتماعی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- محمدی، محمدمهدی (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر کاهش منزلت اجتماعی نظامیان. فصلنامه حصون. شماره ۵.
- محمدی مقدم، یوسف و نصری سماکوش، رضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سبک زندگی بر منزلت اجتماعی کارکنان پایور. فصلنامه انتظام اجتماعی. ۷(۲).
- ملک، حسن (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۴۲-۴۱.

- مه‌ری، نادر (۱۳۸۹). رویکردی تلفیقی در خصوص تأثیر اشتغال مجدد در دوره بازنشستگی بر منزلت اجتماعی نیروهای مسلح: مطالعه‌ای فراتحلیلی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. ۵(۱).
- میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۰). نقش منزلت اجتماعی سازمان‌ها و کارکنان نظامی در تقویت اقتدار ملی. مجله مطالعات دفاعی استراتژیک. شماره ۹.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: نشر ریزان.

- Greene, J. R. & Mastroski, S. D. (1988). Community Policing: Rhetoric or Reality. New York: Praeger Publishing.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی